

چرا کنگره آمریکا باید از توافق هسته ای با ایران حمایت کند؟

ریچارد فالک و اکبر گنجی

منتشر شده در هافینگتون پست ۲۱ آگوست ۲۰۱۵

توافقی که باید موجب شادی دیپلماتیک شود، به یک کشمکش زشت جناحی در این مورد تبدیل شده است که: آیا توافق بین المللی صورت گرفته با ایران توسط حکومت آمریکا تأیید خواهد شد یا نمی شود؟ کنگره آمریکا مرکز مخالفت ها و سد در برابر توافق هسته ای است، جایی که جمهوری خواهان مخالف اوباما و دموکرات های طرفدار نتانیا هو تیم واحدی را تشکیل داده اند. پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان با ایران به توافق رسیده اند، اما دولت اسرائیل با استفاده از نفوذ بسیارش در کنگره آمریکا، در حال نابودی تلاش های آنان است. تصویب توافق هسته ای در قطعنامه ای با رأی مثبت هر ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل- امری که در سنت شورای امنیت درباره این گونه مسائل حساس جغرافیایی سیاسی کمیاب بوده- رویدادی ارزشمند است.

این مسأله پرسش های اساسی ای درباره سیاست داخلی آمریکا، رهبری اش در خاورمیانه و اعتماد به اعتبار نقش جهانی اش برانگیخته است. این توافق نامه، آزادی عمل ایران در برنامه هسته ای اش را فراتر از هر گونه محدودیتی که تاکنون بر کشوری اعمال شده، محدود می سازد. روشن است که این توافق منافع ملی آمریکا در خاورمیانه، یعنی خاورمیانه با ثبات- را تأمین می کند. این توافق حاصل تلاش های رئیس جمهور و وزیر امور خارجه برای اجتناب از وقوع جنگی دیگر در منطقه، و یک مسابقه تسلیحات اتمی خطرناک در آن است.

تهاجم این چینی به این سدشکنی دیپلماتیک، هشدار می باید به شمار رود که عدم عقلانیت در حال به چالش کشیدن جدی منفعت شخصی و عقل عمومی است. اوباما به مناسبت های مختلف اظهار کرده که هیچ رهبر دیگری به غیر از نتانیا هو در مباحث سیاست ملی کشوری خارجی- یعنی آمریکا- چنین صریح دخالت نمی نکرده و نمی کند. (۱ و ۲).

فیلیپ هاموند- وزیر خارجه انگلیس- در پاسخ به پرسش یک نماینده مخالف پارلمان **گفت**: "سوالی که باید از خود بپرسید این است که چه نوع معامله [با ایران] برای تل آویو قابل قبول می بود. پاسخ البته این است که اسرائیل هیچ گونه توافقی با ایران را نمی خواهد. اسرائیل خواهان وجود یک حالت دائمی مقابله با ایران است، که به عقیده من به سود منطقه نیست".

مسأله ایران

جمهوری اسلامی رژیمی غیر دموکراتیک است که به نحو سیستماتیک حقوق بشر را نقض می کند، و از سال ۱۹۷۹ تاکنون روابط خصمانه ای با آمریکا داشته است. با این حال، وضع آن از بسیاری از متحدان مسلمان آمریکا در خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر نزدیکی به دموکراسی و حقوق بشر بهتر است.

ایران کشور با ثباتی است که در نزدیک ۳۰۰ سال گذشته به هیچ کشوری تجاوز نظامی نکرده است. جمعیت ایران پس از انقلاب کمی بیش از دو برابر شده، اما تعداد دانشجویانش ۲۷ برابر شده است. ایران دارای ۴ و نیم میلیون دانشجوی است که ۶۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دهند. مهمترین آثار لیبرالیستی، فمینیستی، سکولار، و... متفکران غربی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده است. آثار بزرگترین متفکران یهودی جهان در ایران منتشر شده است. ایران دارای یک طبقه متوسط گسترده بوده و تنها کشور منطقه- به جز ترکیه- است که دارای اکثر پیش شرط‌های اجتماعی گذار به نظام دموکراتیک است.

بیش از ۲۲ سال است که نتانیاها در حال ساختن بمب اتمی برای ایران است. او به طور مداوم ادعا کرده و می‌کند که ایران فقط زمان بسیار کوتاهی با تولید بمب اتمی فاصله دارد. پیش بینی‌های آتش افروزانه نتانیاها به وقوع نپیوست، ولی با گذشت زمان، اشتها و تمایل او برای جنگ با ایران بیشتر شد.

توافق هسته‌ای که شرایط و محدودیت‌های بسیاری- فراتر از قوانین بین‌المللی- به ایران تحمیل کرد، به هیچ وجه مقبول رهبران اسرائیل و لابی قدرتمندشان در آمریکا نیست. رفتار غیر منطقی اسرائیل در برابر توافقی که به کل منطقه کمک می‌کند، حداقل به دو شیوه قابل توضیح است. اولاً: نتانیاها در این مدت در حال ترساندن مردم کشورش و به حرکت در آوردن جامعه اسرائیل علیه توافق است. ثانیاً: تمرکز بر روی برنامه هسته‌ای ایران، افکار عمومی را از مسائل مشکل‌دیگری که اسرائیل با آن مواجه است، منحرف می‌کند: از جمله مسأله فلسطین و زرادخانه هسته‌ای خود اسرائیل.

منافع ملی آمریکا یا منافع نتانیاها

به گفته مکرر پرزیدنت اوباما طی ماه‌های اخیر، تنها آلترناتیو مخالفان توافق، جنگ است. منتها آمریکا باید به جای اسرائیل ایران را مورد تجاوز نظامی قرار دهد. حمله نظامی به ایران، واکنش شدید آن کشور و متحدانش را در بر خواهد داشت و کل منطقه به آتش کشیده خواهد شد. احتمالاً ایران با جمعیت ۷۸ میلیونی اش هم به عراق و لیبی و سوریه دیگری تبدیل خواهد شد که تروریست‌های سراسر جهان به آن کشور گسیل داشته خواهند شد. چگونه ممکن است که خطری با چنین پیامد‌های ممکن‌به سود منافع ملی آمریکا باشد؟

پذیرش توافق هسته‌ای کم هزینه‌ترین راه برقراری امنیت و صلح در کل منطقه است. به همین دلیل باید مردم و کنگره آمریکا به آن رأی دهند. مردم و دولت آمریکا باید بدانند که توافق هسته‌ای اولین و مهمترین گام حل و فصل کلیه مسائل خاورمیانه است. آمریکا باید برای حل مسائل منطقه یک بسته جامع بلند پروازانه - شامل موارد زیر- داشته باشد:

الف- تضمین مرزهای موجود کلیه کشورهای منطقه از طریق قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل.

ب- عاری سازی خاورمیانه از کلیه سلاح‌های گشتار جمعی.

پ- حل مسأله فلسطین از طریق گفت و گوهای دیپلماتیک میان دو کشور بر مبنای حقوق مردم فلسطین برای تشکیل کشوری مستقل، با دوام و پیوسته در تمامی سرزمین هایی که از سال ۱۹۶۷ به اشغال در آمده اند. اگر گفت و گوهای دیپلماتیک نتیجه بخش نباشد، سازمان ملل باید بر اسرائیل فشار های عملی وارد آورد.

ت- طرح امنیت جمعی و معاهده های دو جانبه عدم تجاوز با امضای کلیه کشورهای خاورمیانه.

ث- سرمایه گذاری در توسعه اقتصادی و سیاسی منطقه، به همراه قانونمند کردن فروش سلاح.

صلح اصل مشترک کتاب مقدس یهودیان، مسیحیان و مسلمانان است:

"امت ها شمشیر های خود را برای گاو آهن و نیزه های خویش را برای ارّه ها خواهند شکست و امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر جنگ را نخواهند آموخت. و هرکس زیر مؤ خویش و زیر انجیر خود خواهد نشست و ترساننده ای نخواهد بود" (*کتاب مقدس*، عهد عتیق، باب چهارم، آیات ۳-۴).

"خوشا بحال آنان که برای برقراری صلح در میان مردم کوشش می کنند، زیرا ایشان فرزندان خدا نامیده خواهند شد" (*کتاب مقدس*، متی، باب پنجم: ۹).

"صلح بهترین است" (*قرآن*، نساء، ۱۲۸). "ای مومنان به پیمان های خود وفا کنید" (مائده، ۱).

برای زمانی بسیار طولانی، این ارزش های مشترک سه مذهب- که ریشه های بسیار عمیق در جهان بینی این سه تمدن دارند- نادیده گرفته شده است.

توافق هسته ای با ایران فرصتی را برای به حرکت آوردن جریان تاریخی در یک مسیر بهتر فراهم می کند. چنین فرصتی نباید از دست رود. اگر این فرصت از دست رود، مسئولیت اخلاقی، سیاسی و قانونی آنچه بر سر منطقه و جهان خواهد آمد، بر عهده آمریکا و اسرائیل خواهد بود.

منبع: [رادیو زمانه](#)، ۳۱ مرداد ۱۳۹۴